

مصطفی شاعیان

و

رمانتیسزم انقلابی

انوش صالحی

www.ketab.ir

سرشناسه:	صالحی، انوش
عنوان و نام پدید آور:	مصطفی شاعیان و رمانتسم انقلابی / انوش صالحی
مشخصات ناشر:	تهران، نشر قطره، ۱۳۸۳
مشخصات ظاهری:	۴۷۸ ص.: مصور
فروست:	سلسله انتشارات - ۱۸۰۶. شناخت نامه و خاطرات - ۷۷
شابک:	۴-۴۲۱-۳۴۱-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست:	فهرست نویسی قبلی
یادداشت:	فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
یادداشت:	کتابنامه به صورت زیر نویس
موضوع:	شاعیان، مصطفی، ۱۳۱۵-۱۳۵۴ - سرگذشتنامه
موضوع:	ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷ - جنبش ها و قیام ها
موضوع:	روشنفکران - ایران
رده بندی کنگره:	۱۳۸۳ م ۲ ص / ۱۵۴۱ DSR
رده بندی دیویی:	۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲
شماره ی کتابشناسی ملی:	۳۸۷۸۵ - ۸۳ م

شابک: ۴-۴۲۱-۳۴۱-۹۶۴-۹۷۸ ISBN: 978-964-341-421-4



نشر قطره

مصطفی شعاعیان و رمانتیسیم انقلابی

انوش صالحی

طراح جلد: محسن توحیدیان

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۴

چاپ: دیجیتال نقش

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

بها: ۲۸۰۰۰ تومان

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

تکثیر تمام یا بخشی از این کتاب به هر شکلی
(به صورت صوتی، تصویری، الکترونیکی و...)
منوط به اجازه کتبی ناشر است.

استفاده از این اثر، به هر شکلی،
بدون اجازه ممنوع است.

خیابان دکتر فاطمی، خیابان ششم (شیخلر)، کوچه‌ی بنفشه، پلاک ۸

دورنگار: ۸۸۹۶۸۹۹۶

۳ - ۸۸۹۷۳۳۵۱

صندوق پستی: ۵۱۶۵ - ۱۴۱۵۵

www.nashreghatreh.com

info@nashreghatreh.com

nashr.ghatreh@yahoo.com

Printed in The Islamic Republic of Iran

فهرست

پیش درآمد ۹

کتاب اول: مسگر آباد

بهمین برفی ۱۵

پس از تندر ۴۳

شهر سهراب ۶۵

تهران، پاییز ۴۵ ۹۵

از ارسال پوریا تا جلال آل احمد ۱۱۳

کوچه نور، کاشی ۶ ۱۴۷

کتاب دوم: موسم باران و باروت

حوض نقاشی ۱۸۵

جبهه دموکراتیک خلق ۲۰۵

شورش ۲۴۵

آستانه نوین ۲۶۱

خاموشی دریا ۲۸۳

خیز آب خانه بر دوش ۳۱۳

در بازگشت ۳۴۵

۴۰۵	آخر بازی
۴۳۳	پی نوشت
۴۳۵	نمایه
۴۴۷	آثار مصطفی شاعیان
۴۴۹	عکس ها
۴۵۹	اسناد
۴۷۱	جرايد

www.ketab.ir

پیش درآمد

وقتی در سال‌های آغازین آخرین دههٔ قرن بیستم، دست‌پروردگان نخستین انقلاب پرولتاریایی جهان در کنار تندیس‌های واژگون شدهٔ «لنین» به جشن و پایکوبی پرداختند و صدها هزار نفر در پای دیوار ویران شدهٔ برلین سرودِ رهائی و آزادی سر دادند، هیچ‌کس نمی‌دانست در آینده چه بر سر اسطوره‌هایی خواهد آمد که در سایهٔ ایدئولوژی چپ شکل گرفته بود.

چند دهه بعد، اگرچه اشتیاق مردم از بندرسته برای نابودی هر آن چه که متعلق به گذشته بود و انبوه گفته‌ها و نوشته‌ها در مذمت و نکوهش «چپ» به خوراک شبانه‌روزی بنگاه‌های خبری تبدیل شد ولی هیچ‌کدام نتوانست تصویر «ارنستو چه‌گوارا» را از ذهن و خیال مردم اقصی نقاط عالم پاک نماید. اگر سیمای «چه‌گوارا» با آن ریش و کلاه معروفش در خاطرهٔ جمعی بسیاری باقی مانده است ولی گذر ایام، آثار پیری و کهن‌سالی را بر وجود هم‌رزمش «فیدل کاسترو» برجای گذاشته است و همین تصویر کهن‌سالی کاسترو است که در تبلیغات رسانه‌یی امروز جهان، همچون پدرسالاری دیگر جلوه‌گر می‌شود، با این همه کاستروی جوان حتی در نگاه چنان رسانه‌هایی هنوز هم، همان جوان دههٔ پنجاه است که از کوه‌های «سیرامائسترا»ی کوبا فرود می‌آید تا بعدها نماد اندیشه‌یی شود که به

«کاستروئیسم» مشهور شد.

کاستروئیسم «اگرچه به اندازه مارکسیسم -لنینیسم و مائوئیسم بنیاد فلسفی نداشت، ولی بیش از همه در عمل مؤثر بود و به راهنمای مبارزه میلیون‌ها جوانی تبدیل شده بود که در پس جنگ دوم جهانی در بخش شکست خورده جنگ زندگی می‌کردند.»^۱

در ایران دههٔ چهل، وقتی که یکی دیگر از شرایط حاصل برای گذر مسالمت‌آمیز جامعه از بند دیکتاتوری و عقب‌ماندگی به بن‌بست رسید، جوانانی برخاسته از طیف‌های گوناگون سیاسی به شیوه‌های قهرآمیز مبارزه روی آوردند و محفل‌ها و گروه‌های کوچک و بزرگی را برای این منظور سازماندهی کردند.

عصر روز نورده بهمن ۱۳۴۹ عده‌یی جوان مسلح با ظاهری غریب از دل جنگل‌های انبوه شمال در منطقهٔ سیاهکل استان گیلان بیرون آمدند و با حمله به پاسگاه ژاندارمری آن سامان، فصل تازه‌یی را در تاریخ معاصر ایران رقم زدند.

هرچند چنان شیوه‌یی تنها بر جنبه‌های عملی مبارزه تأکید داشت با این همه، بنیان‌گذاران آن در تلاش بودند تا به جنبه‌های تئوریک و نظری مبارزه مسلحانه نیز بپردازند و مبرم‌ترین مسایل اجتماعی و سیاسی تاریخ معاصر را از دیدگاه خود مورد نقد و بررسی قرار دهند. بیژن جزینی، حمید مؤمنی، مسعود احمدزاده، امیرپرویز پویان، حمید اشرف و بالاخره مصطفی شجاعیان از جمله این افراد بودند.

سرنوشت هر یک از این مبارزان با مجموعه‌های عمل‌کرد و آثارشان، نمادی از یک دورهٔ تاریخی است؛ دوره‌یی که تنها سه دهه از وقوع حوادثش می‌گذرد. با این همه، ابعاد رخدادها و هویت آدم‌های درگیر در آن ماجراها،

۱- نشریهٔ آدینه، شمارهٔ ۸۸، بهمن ۱۳۷۲، مقالهٔ «غمی که به سیرامائسترا باید گفت»، نوشته

چنان فاصله‌یی با دنیای پیرامون ما گرفته است که انگار صدها سال از حیات آنان می‌گذرد. آدم‌هایی که به رغم همهٔ خصایل مثبت و منفی‌شان، مبارزهٔ سیاسی را با ریاضتِ فردی در هم آمیخته بودند و نه تنها جان بر سر اعتقادات خود گذاشته بلکه در هنگامهٔ مبارزه نیز خود را از پیش پافشارده‌ترین حقوق فردی و اجتماعی محروم کرده بودند تا در هیأت قدیسین معاصر، نمونه‌یی از انسان‌های جامعهٔ آرمانی خود باشند.

کنکاش در هستی چنان انسان‌هایی به راحتی میسر نخواهد بود؛ چرا که محدود آثار مکتوب باقی مانده، بدون ذکر جزئیات، تنها به تمجید و بزرگداشت آنان می‌پردازد. از طرف دیگر افرادِ بازمانده‌یی که خود روزگاری در کوران مبارزهٔ سیاسی حضور داشتند، نوعی نگاه نوستالژیک همراه با احساس همدلی نسبت به همراهان سابق خود دارند و به‌طور معمول جنبه‌های منفی روزگار رفته را نادیده می‌گیرند و به رغم نداشتن اعتقاد یا کم‌باوری به روش و منش گذشتهٔ خود، باز هم حاضر نیستند انتقادی از جانب آنان متوجه کسانی شود که در راه آرمان‌های مشترک جان باخته‌اند.

اما بازخوانیِ هستیِ این افراد، زمانی میسر خواهد بود که فاقد هرگونه یک‌سونگری باشد تا بتوان تصویری روشن از آن دورهٔ تاریخی ترسیم نمود و از آمال و آرزوهای مردان و زنانی نوشت که شیفتهٔ عدالت و بهروزی جامعهٔ بشری بودند. شیفتهٔ برپاسازی جهانی آرمانی، جهانی که حتی در صورت پدید آمدن، با مرگ یک‌ایک‌شان، دیگر جایی برای حضور آنان نبود.